یادداشت

مدیریت بحران انرژی به کجا می‌رود؟

مهراد عباد
عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

در صنعت برق بلک‌اوت (black out) به معنی خاموشی گسترده برق است که در نتیجه ازدست‌رفتن قسمت بزرگی از تولید یا اختلال در خطوط انتقال حاصل می‌شود. ناترازی‌های انرژی عمدتا باعث بروز بلک‌اوت می‌شوند. به جرئت می‌توان گفت بدترین اتفاقی که برای شبکه برق ایران در این زمان می‌تواند روی دهد، همین موضوع بلک‌اوت است.

در تاریخ چندین بار این اتفاق روی داده که در برخی از موارد چندین روز یا هفته زمان لازم بود تا برق سراسری برقرار شود. در حال حاضر با توجه به مشکلات عدیده در تأمین و تولید تجهیزات صنعت برق به واسطه تحریم‌های داخلی و خارجی، در صورت وقوع چنین حادثه‌ای مسلما خسارات جبران‌ناپذیر فراوانی را شاهد خواهیم بود. در تابستان گذشته به علت کمبود تولید نسبت به مصرف امکان وقوع حادثه وجود داشت و تا نزدیکی مرز این بحران رفتیم، اما به هر روی از آن گذشتیم، ولی امکان وقوع آن در آینده‌ای نزدیک وجود دارد.

بحران حال حاضر انرژی نتیجه مستقیم مدیریت ناکارآمد و سیاست‌زده مدیران بخش انرژی کشور در سال‌های متمادی است و فقط با تغییر رویکرد می‌توان از آینده تاریک جلوگیری کرد.

شرایط امروز ما که حاصل کارنامه سیاه مدیران گذشته و حال حاضر صنایع مرتبط با انرژی است، به واسطه عوامل مختلفی پیش آمده است. مدیریت عرضه و تولید در این سال‌ها کارآمد نبوده به ترتیبی که عمر بالای بسیاری از نیروگاه‌ها، پایین‌بودن راندمان آنها، برنامه‌ریزی ناکافی برای نوسازی و... باعث مشکلات بسیاری در قسمت عرضه شده است.

کمبود سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه جدید و تخصیص‌ندادن بودجه کافی برای آن، به همراه بحران کمبود آب که باعث کاهش تولید برقابی شده نیز از عوامل تأثیرگذار بوده‌اند. اما شروع این ناکارآمدی مدیریت انرژی بعد از جنگ ایران و عراق بود؛ جایی که بیش از ۷۰ درصد از سبد انرژی کشور بر پایه گاز طبیعی نهاده شد و جهاد لوله‌کشی گاز سراسری کشور بنا و مقرر شد برخلاف رویه رایج و کارآمد انتقال انرژی به خانه‌ها در دنیا که بر مبنای برق‌رسانی به خانه‌ها بنا نهاده شده، علاوه بر برق‌رسانی که سال‌ها پیش صورت گرفته بود، به‌صورت موازی انرژی گاز نیز به خانه‌ها و صنایع انتقال پیدا کند.

حضور آینده‌نگری در اکثر ریل‌گذاری‌های اقتصادی چندده سال اخیر بسیار خالی بوده و در این موضوع نیز به وضوح شاهد آن هستیم. کارشناسان واقعی در آن زمان باید این آینده‌نگری را می‌داشتند که انتقال انرژی به دو روش مسلما حداقل دو برابر هزینه بیشتر در تولید و انتقال و دو برابر هدررفت انرژی و دو برابر هزینه خدمات و نگهداری و... دارد.

آن زمان تصور می‌شد که منابع طبیعی فسیلی به‌خصوص گاز به میزان کافی وجود دارد و برداشت خواهد شد، اما تحریم‌های داخلی و خارجی و کمبود سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و تنش‌های تجاری بین‌المللی و فرسوده و قدیمی‌شدن تجهیزات برداشت گاز طبیعی باعث شد با وجود داشتن منابع بسیار، میزان تولید از مصرف عقب بماند و بحران انرژی یا همان ناترازی انرژی حاصل شود.

از سوی دیگر، سیاست‌های مربوط به فرهنگ مصرف بهینه و همچنین قیمت‌گذاری دستوری به همراه ارائه یارانه‌های هنگفت ناکارآمد نیز باعث شد در مصرف انرژی صنایع و مصارف خانگی با الگوهای فرهنگی صحیح مواجه نباشیم و یارانه‌های ناکارآمد باعث حیف‌ومیل بودجه کشور که بیشتر آن حاصل درآمدهای نفتی است، بشود.

آمارهای ضدونقیض مسئولان به همراه ارائه اطلاعات ناصحیح و وعده‌های عمل‌نشده، در کنار گلایه مداوم مسئولان به‌جای ارائه راهکار برون‌رفت از بحران‌های انرژی نیز یکی از دلایل شرایط موجود است. در چندده سال اخیر از وزرای مختلف نیرو و صمت افتتاح پروژه‌های نیمه‌کاره بسیاری دیده‌ایم یا اعلام موفقیت در انجام پروژه‌ای که درواقع هیچ‌گاه صورت نگرفته است. در سال‌های اخیر تقریبا تمامی وزرای نیرو از شرایط خشک‌سالی کشور گله داشته‌اند، اما هیچ‌کدام برنامه‌ای را جاری و ساری نکرده‌اند تا کمی از تاریکی کارنامه سیاه‌شان کاسته شود. در سال‌های اخیر وزرا و مسئولان دولتی خود منتقد دولت شده‌اند و مدام از مشکلات موجود می‌گویند، در صورتی که آنها مسئولیت قبول کرده‌اند تا ما را از این بحران عبور دهند.

ادامه وضع موجود موجب کاهش عرضه انرژی و افزایش بهای آن خواهد شد و بحران‌های اقتصادی موجود دوچندان می‌شوند. تعطیلی کسب‌وکارها، کاهش تولید ملی و فرار سرمایه تنها گوشه‌ای از مشکلات بحران انرژی است؛ علاوه بر آن بحران‌های اجتماعی و محیط‌زیستی و حتی تهدیدهای امنیتی می‌تواند در این کارنامه سیاه درج شود.

با رویکرد فعلی در حوزه انرژی درخصوص انتخاب مدیران رده‌بالای این حوزه که بیشتر از تخصص‌گرایی تابع ملاحظات سیاسی و کوتاه‌مدت است، مسلما تغییری در آینده شاهد نخواهیم بود. رویکرد فعلی حاصل نگاه مدیرانی بوده که به اقتصاد دستوری اعتقاد داشته‌اند یا عملکرد آنها در جهت افزایش استفاده از انرژی فسیلی به‌جای انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر بوده است. آنها نگاه بلندمدت و آینده‌گرا نداشتند. برای گذار از این بحران نیازمند تغییر رویکرد و نگرش حاکمیت و مدیران انرژی اقتصادی کشور خواهیم بود. عبور از این بحران نیاز به یک برنامه جامع انرژی در سطح ملی دارد که توسط یک مجموعه متخصص هماهنگی‌های مرکزی صورت گیرد تا هماهنگی‌های بین دستگاهی که یکی از نقاط ضعف فعلی است، انجام شود. در حال حاضر سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی ایجاد شده که در همان ابتدای کار انتقادهای بسیاری درخصوص ریاست آن مطرح بوده است. فارغ از قضاوت در این زمینه، وجود این مرکز یکی از نیازهای اساسی گذار از بحران انرژی است. امید است این مرکز با کمک‌گرفتن از تمامی متخصصان توانا، فارغ از اندیشه آنها که در داخل و خارج از کشور حضور دارند و حتی کارشناسان خارجی زبده بتواند نقشه راه مناسبی برای این گذار طراحی کند. در این سازمان نیاز است متخصصان مختلف حوزه‌های برق، آب، تجدیدپذیر، گاز، نفت، سایر مشتقات نفتی، محیط زیست، اجتماعی و اقتصاد چرخشی و... حضور داشته باشند.

وفاق ملی زمانی صورت می‌گیرد که تمام کسانی که می‌توانند به ایران‌مان کمک کنند پای کار توسعه ایران بیایند.

گزارشی درباره ابعاد توسعه میدان نفتی دشت آزادگان توسط ۸ بانک

بحرانی دو برابر بزرگ‌تر از بانک آینده

مهدی افشارنیک: هشت بانک بزرگ کشور قصد دارند با سرمایه‌گذاری‌ای بالغ بر ۹ میلیارد دلار -معادل حدود هزار هزار میلیارد تومان با نرخ‌های امروز- وارد صنعت نفت شوند و توسعه میدان آزادگان را بر عهده بگیرند؛ یکی از بزرگ‌ترین میادین نفتی ایران و پروژه‌ای با حساسیت راهبردی بالا. در ظاهر، این اتفاق می‌تواند نشانه‌ای از بسیج منابع ملی برای توسعه صنعت نفت باشد؛ اما تجربه بانک آینده، کارنامه ناموفق میدان گازی کیش و ناترازی مزمن نظام بانکی ایران نشان می‌دهد که این تصمیم بیش از آنکه یک «سرمایه‌گذاری توسعه‌ای» باشد، قمار تازه‌ای با سپرده‌های مردم است؛ قماری که می‌تواند هم به خلق نقدینگی و تشدید تورم منجر شود و هم مانند تجربه بانک ملت در میدان کیش، پروژه را سال‌ها از مسیر توسعه منحرف کند. بحران بانک آینده برای مردم و اقتصاد ملی ۵۰۰ هزار میلیارد تومان آب خورد. سرمایه‌گذاری بانک‌ها، بخوانید برداشت از سپرده‌های مردم در بانک‌ها به اسم «توسعه نفتی»، فاکتورش فعلا هزار همت است.

ناترازی عمیق؛ بحران عمیق

افشای ابعاد ناترازی بانک سپه در سخنان اخیر صادق لاریجانی نشان داد که مسئله به بانک آینده و زیان ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی آن محدود نیست؛ چندین بانک بزرگ کشور در آستانه بحران ترازنامه‌ای قرار دارند. این هشدارها سال‌هاست از سوی دولت‌ها و اقتصاددانان تکرار می‌شود:

• احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد دولت رئیسی: «ناترازی بانک‌ها یک مسئله همگانی است».

• سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد دولت پزشکیان: «بانک‌های ناتراز اگر اصلاح نشوند، به سرنوشت بانک آینده دچار می‌شوند».

• ولی‌الله سیف: «همه بانک‌های ما ناترازند و حتی کشورهای دوست نیز با ما کار نمی‌کنند».

• مسعود نیلی: «ناترازی‌ها حیاتی‌ترین مسئله اقتصاد ایران است».

ریشه ماجرا ساده و تلخ است؛ بانک‌ها به نام «سرمایه‌گذاری»، از محل سپرده‌های مردم منابع برداشت می‌کنند و این پول‌های کلان را نه به تولید، بلکه به شرکت‌های زیرمجموعه خود و پروژه‌هایی با ریسک بالا تزریق می‌کنند. نتیجه این چرخه سال‌هاست در پروژه‌هایی مانند میدان گازی کیش (بانک ...) یا نیروگاه خورشیدی (بانک ...) دیده می‌شود؛ پروژه‌هایی که ده‌ها هزار میلیارد تومان از سرمایه مردم را بلعیدند اما دستاورد آنها تقریبا هیچ بود.

اثر تورمی بنگاه‌داری بانک‌ها؛ موتور پنهان افزایش قیمت‌ها

بنگاه‌داری بانک‌ها -یعنی مالکیت و اداره شرکت‌های ساختمانی، صنعتی، نفتی و تجاری- در ایران به‌جای آنکه به رشد کمک کند، یکی از سه موتور اصلی تورم ساختاری است. بانک درگیر بنگاه‌داری برای جذب سپرده سودهای بالا پرداخت می‌کند اما چون فعالیت‌های اقتصادی زیرمجموعه‌اش ارزش‌افزوده کافی ایجاد نمی‌کند، برای پرداخت همان سودها ناگزیر به خلق پول، اضافه‌برداشت از بانک مرکزی و گسترش ترازنامه است. این چرخه به‌تنهایی ۱۰ تا ۱۵ واحد درصد تورم سالانه به اقتصاد تحمیل می‌کند. در نتیجه، پروژه‌های ناکارآمد -از برج‌سازی تا پروژه‌های نفتی- به زور منابع بانکی ادامه می‌یابند و زیان آنها در قالب افزایش نقدینگی، رشد پایه پولی و کاهش قدرت خرید، بر دوش همه مردم می‌افتد.

ابعاد ناترازی

طبق گزارش‌های رسمی، نسبت تسهیلات غیرجاری (NPL) در ایران ۱۰ تا ۱۳ درصد اعلام می‌شود. بااین‌حال، با احتساب استمهال‌ها، امهال‌ها و تمدیدهای مکرر، برآورد کارشناسان عدد واقعی را تا دو برابر این مقدار می‌داند؛ یعنی ۸۰۰ تا هزار هزار میلیارد تومان دارایی بانک‌ها عملا قفل شده است. با این وضعیت، عجیب است که بانک‌هایی با چنین ترازنامه‌ای قرار است هزار هزار میلیارد تومان دیگر در قالب سهامداری یک پروژه نفتی هزینه کنند؛ اقدامی که ریسک آن با منطق بانک‌داری و با سلامت اقتصاد ملی سازگار نیست.

بانک‌های ناتراز؛ هلدینگ‌های شبه‌دولتی نه واسطه مالی

بانک‌ها به‌جای واسطه‌گری مالی، به «هلدینگ‌های شبه‌دولتی» تبدیل شده‌اند. منابع به‌جای جاری‌شدن در بخش‌های مولد اقتصاد، به شرکت‌های وابسته و پروژه‌های پرریسک هدایت می‌شود. سهم دارایی‌های بانکی و شرکت‌های وابسته به آنها در اقتصاد ایران به‌طور غیررسمی ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می‌شود؛ یعنی بخش عظیمی از اقتصاد در اختیار شبکه‌ای است که نه پاسخ‌گو است، نه رقابتی و نه کارآمد.

تجربه جهانی: چرا بنگاه‌داری بانک‌ها تقریبا در همه دنیا ممنوع است؟

در اکثر اقتصادهای پیشرفته، بنگاه‌داری بانک‌ها یا ممنوع است یا به‌شدت محدود:

• آمریکا پس از بحران ۱۹۲۹ و سپس ۲۰۰۸، بانک‌ها را از مالکیت شرکت‌های غیرمالی منع کرد (Glass-Steagall، Dodd-Frank).

• اتحادیه اروپا طبق مقررات بازل و قوانین رقابتی، اجازه سهامداری گسترده بانک‌ها را نمی‌دهد.

• ژاپن پس از شکست زایباتسوها، ساختار مالکیت بانک‌ها را اصلاح کرد.

• چین نیز با وجود دولتی‌بودن نظام مالی، بانک‌ها را فقط در نقش «وام‌دهنده» نگه می‌دارد.

• در کشورهای درحال‌توسعه، تجربه‌های تلخ مانند فساد گسترده Petrobras در برزیل یا بحران بانکی اسپانیا باعث تقویت مقررات محدودکننده شده است.

جمع‌بندی جهانی روشن است: بانک‌ها به دلیل ماهیت ریسک‌گریز و وظیفه حفظ نقدشوندگی، نباید مالک پروژه‌های صنعتی و نفتی شوند.

میدان کیش؛ هشدار تاریخی نادیده گرفته‌شده

ورود بانک ملت به توسعه میدان گازی کیش در دولت احمدی‌نژاد نمونه آشکار شکست این مدل است. بانک ملت متعهد به چند میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شدف اما به دلیل نبود تخصص فنی، کندی عملیات و تغییر سیاست، در سال ۱۳۹۱ از پروژه خلع ید شد. نتیجه: سال‌ها تأخیر، توقف و ازدست‌رفتن میلیاردها دلار منافع بالقوه کشور. اکنون آزادگان با همین الگو در حال اجراست اما در مقیاسی چند برابر بزرگ‌تر.

آزادگان؛ «کیش بزرگ‌تر» و تهدیدی بالقوه برای ثبات مالی

میدان آزادگان، با ارزش چندده میلیارد دلاری و پیچیدگی‌های فنی و ژئوپلیتیکی، پروژه‌ای نیست که بانک‌های ناتراز بتوانند ریسک آن را تحمل کنند. اگر پروژه در اثر تحریم، تأخیر حفاری، کمبود تجهیزات، سقوط قیمت نفت یا خلع ید پیمانکار با مشکل مواجه شود، این سرمایه‌گذاری به‌سرعت به دارایی سمی عظیمی تبدیل خواهد شد؛ دارایی‌ای که می‌تواند ترازنامه چند بانک بزرگ را هم‌زمان دچار بحران کند. این خطر زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم بانک‌ها حتی در وضعیت فعلی نیز برای پرداخت سود سپرده‌ها نیازمند خلق پول و اضافه‌برداشت هستند. با وجود ۴۷۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اضافه‌برداشت و ۸۰۰ تا هزار هزار میلیارد تومان دارایی قفل‌شده، تزریق چندین میلیارد دلار به پروژه‌ای ۱۵ تا ۲۰ ساله، عملا به معنای افزایش احتمال بروز یک بحران سیستماتیک در کل شبکه بانکی است؛ بحرانی به‌مراتب بزرگ‌تر از پرونده بانک آینده. آزادگان برای ایران یک فرصت بزرگ است، اما شیوه ورود بانک‌ها به این پروژه، آن را از فرصت به تهدید تبدیل می‌کند. در یک نظام بانکی سالم، بانک‌ها فقط وام‌دهنده با وثایق سخت و قراردادهای شفاف بازپرداخت هستند، نه مالک و سهامدار پروژه‌های بالادستی. اما در شرایط فعلی، سهامداری بانک‌های ناتراز در آزادگان می‌تواند مقدمه بزرگ‌ترین بحران مالی ۵۰ سال اخیر ایران باشد. تجربه میدان کیش و بانک آینده پیش‌روی ماست؛ اگر دوباره همان مسیر را برویم، نتیجه دوباره همان خواهد بود اما این بار با هزار هزار میلیارد تومان از سپرده‌های مردمی.

در حاشیه اجلاس اخیر شورای همکاری خلیج فارس

ادامه از صفحه اول

از سوی دیگر به نظر نمی‌رسد سپردن امنیت هوایی این کشورها به گنبد آهنین که اساسا در اختیار اسرائیل است، از سوی رژیم صهیونیستی با استقبال مواجه شود و فناوری آن در اختیار این کشورها قرار گیرد؛ اگرچه اعضای شورا شاید گمان می‌کنند حداقل به این ترتیب می‌توانند از شر حملات اسرائیل در امان بمانند. در هر حال برای تبدیل این گفتمان سیاسی به یک اقدام واقعی، کشورهای حاشیه خلیج فارس راه درازی را در پیش خواهند داشت. احتمالا یکی از مهم‌ترین دلایل چنین اظهاراتی از سوی دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، دفع تهدیدات احتمالی از جانب ایران باشد. البدیوی در گفت‌وگوی یادشده در عین حال از تمایل کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای ایجاد رابطه عادی با ایران براساس حسن همجواری و دخالت‌نکردن در امور داخلی همدیگر سخن گفت.

از دیگر نگرانی‌های کشورهای عضو شورای همکاری، وجود حملات انصارالله در دریای سرخ است که با وجود تلاش عربستان و امارات برای کاهش تنش با انصارالله یمن ادامه داشته است و آنها همچنان نگران ازسرگیری جنگ هستند. با توجه به آنکه ظاهرا رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس در بهترین وضعیت رابطه با آمریکا از طریق دولت ترامپ هستند و تعریف و تمجیدهای فراوانی از یکدیگر به عمل می‌آورند، سران سه کشور به‌ویژه عربستان، امارات و قطر بسیار امیدوارند از طریق سرمایه‌گذاری‌های عظیم در خاک آمریکا بتوانند در دوران ترامپ حداقل به سیستم دفاعی پیشرفته دست یابند و در عین حال اگر بتوانند هواپیماهای پیشرفته F-35 دریافت کنند. البته کشورهای حاشیه خلیج فارس گویا گزینه‌های دیگری را هم مدنظر دارند. می‌توان حدس زد که سفر غیرمنتظره جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، به بحرین در حاشیه برگزاری نشست چهل‌وششم شورای عالی شورای همکاری خلیج فارس و دیدارش با محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان در منامه که در آن وزیر دفاع عربستان، خالد بن‌سلمان نیز حضور داشت، به ارزیابی خرید گنبد میکل آنژ ایتالیا نیز مرتبط باشد. اخیرا ایتالیا و شرکت لئوناردو از یک سیستم دفاع هوایی چندلایه به نام گنبد میکل آنژ رونمایی کرد که مشابه گنبد آهنین اسرائیل است.

نخست‌وزیر ایتالیا در سفر خود همچنین با دیگر اعضای شورا نیز جلسه‌ای تحت عنوان نشست خلیجی- ایتالیایی برگزار کرد که در آن با اشاره به روابط تاریخی امپراتوری روم با شبه‌جزیره عربستان از «راه اروبه» سخن گفت که در آن تجارت از هند به روم قدیم از طریق شبه‌جزیره انجام می‌شده است.

او با یادآوری موقعیت تاریخی تلاش کرد تمایل خود را برای پایانه‌بودن ایتالیا در کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا بیان کند. شایان یادآوری است که سیستم گنبد آهنین رژیم اسرائیل در عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲ ناکارآمدی نسبی خود را در مقابل حملات گسترده با پرتاب تعداد زیادی موشک و پهپاد از مسیرهای مختلف نشان داد و مشخص شد این سامانه مصونیت کامل ندارد و آسیب‌پذیر است. با توجه به آنکه معمولا صنایع دفاعی در جهان از چنین جنگ‌هایی درس می‌آموزند و ضعف‌ها را ترمیم می‌کنند، این امکان نیز وجود دارد که در صورت ارتقای سامانه یا تولید سامانه‌های جدید توسط آمریکا و اسرائیل، سامانه‌هایی در سطوح پایین‌تر به کشورهای همسو فروخته شود تا برتری‌های فناوری آمریکا و اسرائیل حفظ شود. اخیرا رژیم اسرائیل سامانه جدیدی را به نام پرتو آهنین معرفی کرده است که از لیزر برای برخورد با پرتابه‌ها استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد در جهانی که تهدیدات به‌سرعت در حال گسترش و پیچیده‌ترشدن است، نوآوری‌هایی از این دست ممکن است در آینده جایگزین سیستم‌های دفاعی پرهزینه‌ای نظیر گنبد آهنین شود. در عین حال نباید از یاد برد که دولت ترامپ با اعلام استقرار یک سامانه پهپادی در خاورمیانه که از پهپادهای شاهد ۱۳۶ ایرانی الگوبرداری شده، یگان ویژه‌ای را تحت عنوان یک سامانه کم‌هزینه تهاجم رزمی بدون سرنشین به نام «یگان ضربت عقرب» مستقر کرده است. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که شورای همکاری خلیج فارس پس از بیانیه منامه برای دفاع یکپارچه از خود متحد شود. اما همان‌گونه که ترکی فیصل، دیپلمات پیشین و کارکشته عربستان سعودی می‌گوید، این رژیم صهیونیستی است که تهدید بزرگی برای ثبات منطقه به شمار می‌رود و نه ایران. او همچنین هشدار می‌دهد که این اسرائیل است که دردسرساز است و آمریکا باید آن را مهار کند.

خوب است کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به هشدارهای ترکی فیصل توجه کنند که می‌گوید در این منطقه هم‌اکنون یک کشور دارای سلاح هسته‌ای وجود دارد و آن هم اسرائیل است. او ادامه می‌دهد بهترین راه‌حل، ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتارجمعی است.

آیا بهتر نیست کشورهای عضو شورا برای یک امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس در کنار جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند و برای یک منطقه عاری از سلاح‌های کشتارجمعی تلاش کنند؟

* رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

خبر

فروش جهانی خودروهای برقی به کف رسید

داده‌ها نشان می‌دهد فروش جهانی خودروهای برقی در نوامبر تحت تأثیر توقف رشد فروش چین و تغییرات سیاست آمریکا با کمترین نرخ از فوریه ۲۰۲۴ رشد کرد. به گزارش ایسنا، مؤسسه «بنچمارک مینرال اینتلیجنس» (BMI) اعلام کرد: در اروپا، رجیستری خودروهای برقی، شامل خودروهای تمام‌برقی و پلاگین هیبریدی به کمک برنامه‌های تشویقی ملی، رشد قوی خود را حفظ کرده و از ابتدای سال میلادی جاری تاکنون در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۲۴، یک‌سوم رشد کرده است. شرکت‌های حمل‌ونقل برقی اعلام کردند تغییر سریع به خودروهای برقی برای مهار انتشار دی‌اکسیدکربن که باعث گرمایش زمین می‌شود، ضروری است. اما خودروسازان و دولت‌ها به دلیل پذیرش کندتر از حد انتظار خودروهای برقی که به گفته گروه‌های لابی خودرو، مشاغل و حاشیه سود را تهدید می‌کند، از برخی تعهدات سبز عقب‌نشینی کرده‌اند. داده‌های منتشرشده نشان می‌دهد رجیستری جهانی خودروهای برقی که معیاری برای فروش است، در نوامبر با شش درصد افزایش، به اندکی کمتر از دو میلیون دستگاه خودرو رسید. فروش چین با سه درصد افزایش، به بیش از ۱.۳ میلیون دستگاه خودرو رسید که کمترین افزایش سالانه از فوریه ۲۰۲۴ است. فروش آمریکای شمالی پس از کاهش مشابه در اکتبر در پایان اعتبار مالیاتی آمریکا، با ۴۲ درصد کاهش، به کمی بیش از صد هزار دستگاه خودرو رسید و از ابتدای سال جاری تاکنون یک درصد کاهش یافته است. فروش اروپا و سایر نقاط جهان به ترتیب با ۳۶ درصد و ۳۵ درصد افزایش، به بیش از ۴۰۰ هزار و حدود ۱۶۰ هزار دستگاه خودرو رسید. «چارلز لستر»، مدیر داده‌های «بنچمارک مینرال اینتلیجنس» گفت: برای سال آینده، همچنان انتظار کاهش پیش‌بینی فروش خودروهای برقی در آمریکا را داریم. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، هفته گذشته در اقدامی دیگر علیه برقی‌سازی خودروها، پیشنهاد کاهش محدودیت‌های مربوط به مصرف سوخت را مطرح کرد. براساس گزارش رویترز، در چین که بیش از نیمی از فروش جهانی خودروهای برقی را به خود اختصاص داده است، پیش‌بینی می‌شود کاهش یارانه‌های دولتی در نزدیکی پایان سال، به‌طور کلی بر تمایل مصرف‌کنندگان تأثیر منفی بگذارد.

طلای جهانی در مسیر افزایش هفتگی

قیمت هر اونس طلا در معاملات روز جمعه بازار جهانی، تحت تأثیر انتظارات برای کاهش بیشتر نرخ بهره در سال آینده، نزدیک به بالاترین سطح هفت هفته گذشته باقی ماند. به گزارش مهر، بهای هر اونس طلا برای تحویل فوری، با ۰.۲ درصد کاهش، به ۴۲۷۵ دلار و ۴۴ سنت رسید. بهای هر اونس طلا در بازار معاملات آتی آمریکا برای تحویل در فوریه، با ۰.۲ درصد کاهش، به ۴۳۰۶ دلار و ۲۰ سنت رسید. ارزش دلار آمریکا در مسیر ثبت سومین کاهش هفتگی متوالی قرار گرفت. دلار ضعیف، طلا را که به ارز آمریکا قیمت‌گذاری می‌شود، برای خریداران خارجی ارزان‌تر می‌کند. فدرال‌رزرو چهارشنبه سومین کاهش نرخ بهره ۲۵ واحد پایه خود در سال جاری را اعلام کرد. همچنین مقامات اعلام کردند هرگونه تسهیل بیشتر به نشانه‌های واضح‌تری از کاهش تورم و آرام‌شدن بازار کار بستگی دارد. هفته گذشته تعداد متقاضیان مزایای بیمه بیکاری در آمریکا بیشترین افزایش را در حدود چهارونیم سال گذشته تجربه کرد اما این افزایش به‌عنوان نشانه‌ای از بهبود اساسی در شرایط بازار کار تلقی نشد.

شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۷۰۱۹۷۷۵ تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۷
قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۳۷۰۱۷۶۱۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی رسول لطیفی خوراسگانی به شناسنامه شماره ۱۷۱۸ و شماره ملی ۱۲۹۱۵۹۲۶۱۱ صادره اصفهان فرزند علی در ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با کاربری زراعی - باغی به مساحت ۲۰۳۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴۶ اصلی واقع در بخش ۱۸ ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
شناسه آگهی: ۲۰۶۸۵۳۷
مهدی صادقی وصفی
رئیس ثبت اسناد و املاک ۵۸۳۶

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.
ردیف ۱ - برابر رأی شماره ۱۷۳۸۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ هیأت سوم مالکیت آقای سعید جان نثاری لادانی به شناسنامه شماره ۱۷۹۴۷ کدملی ۱۱۴۰۱۷۹۰۱۲ فرزند محمد رضا در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۳/۰۴ متر مربع پلاک شماره ۵۷۱ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان سند ۹۹۸۸۱ مورخ ۹۹.۴.۱۵ دفترخانه ۲۵ اصفهان و نامه ۴۵۸۶ مورخ ۱۴۰۴.۷.۲۳ اداره راه و شهرسازی تأئید و محرز گردیده است.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
شناسه آگهی: ۲۰۶۸۹۷۴
شهریاری
رییس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان ۵۸۳۷

شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۴۰۰۴۲۷۲ تاریخ : ۱۴۰۴/۰۹/۱۶
قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
موضوع : آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
متن آگهی مفاد رأی: برابر رای شماره ۴۲۰۹ مورخ ۱۴۰۴/۹/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی، مالکیت آقای پرویز کیانی به شناسنامه شماره ۲ کدملی ۶۳۳۹۷۰۴۸۴۰ صادره فرزند هرمز در ششدانگ یکباب ساختمان مسکونی در حال ساخت به مساحت ۳۵۵/۶۸ متر مربع پلاک شماره ۲۵ فرعی از ۴۴۸۲ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان در ازای مالکیت رسمی مشاعی اولیه مفروز ثبتی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
شناسه آگهی: ۲۰۶۷۸۹۸
حسین عینی - رئیس ثبت اسناد و املاک ۵۸۳۵

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹